

بسم الله الرحمن الرحيم

مسلمانان در سه چیز شریک اند

(ترجمه)

«عَنْ رَجُلٍ، مِنَ الْمُهَاجِرِينَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: غَزَوْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثًا أَسْمَعُهُ، يَقُولُ: "الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْكَلَاءِ، وَالْمَاءِ، وَالنَّارِ" (سنن أبي داود، 3/ 278؛ كتاب البيوع، ابواب الإجاره، باب في منع الماء حديث 3477)

ترجمه: در سنن ابوداود از شخص صحابی انصاری [رضی الله عنه] روایت است که گفت: در سه غزوه با رسول الله صلی الله علیه وسلم شرکت داشتم، پس شنیدم که می فرمود: مسلمانان در سه چیز شریک اند: چراگاه، آب و آتش.

توضیح حدیث

صاحب عون المعبود گفته: «مراد از "في الماء" آب های طبیعی است که بدون تلاش و کوشش افراد به دست آمده باشد؛ مانند: آب های کانال ها، چاه ها و... نه آن آب هایی که از طرف افراد در ظروف یا حوض ها وجویچه های کوچک جدا شده و از نهرها نگهداری می شوند.» و نیز "وَالْكَلَاءُ" به فتحه، کاف و لام بعد آن همزه مقصوره عبارت از گیاهی است که خود تازه شده می روید و در نهایت خشک می شود. امام خطابی می گوید: «مراد از "الْكَلَاءُ" آن گیاهی که در زمین های موات می روید و مردم از آن من حیث چراگاه استفاده می کنند، مختص به هیچ یک نبوده که مانع غیرش شود.» و هدف از "وَالنَّارُ" اشتراک در آتش است؛ یعنی از روشنائی و استفاده از نور آن هیچ کس منع نشود، لیکن مؤظف و افروزنده آن می تواند از گرفتن قوغ یا قسمتی از آن منع کند؛ چون این کار به محو شدن و خاموشی آن منجر می شود.

بعضی گفته اند: مراد از آتش، سنگ های است که آتش افروز اند و هرگاه در زمین های موات قرار داشته باشند، هیچ احدی از استفاده آن منع نشود. علامه شوکانی در نیل الاوتار گفته است: «بدان که احادیث این باب در کل چنین آگاهی می دهد که دلالت بر اشتراک مطلق در امور سه گانه دارد؛ هیچ چیز از آن خارج نیست؛ مگر که دلیلی که آن را از عمومیتش خاص بسازد؛ مثل احادیث فیصله کن که می فرماید:

«لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ» (رواه البيهقي في شعب الإيمان، 7/ 346)

ترجمه: مال مسلمان برای دیگری حلال نیست؛ مگر به رضای خاطر و طیب نفس او.

زیرا این ها با آن که عام می باشند؛ ولی بعد از ثبوت مال و ثبوت آن در امور سه گانه صلاحیت استدلال بر آن ها محل نزاع می باشد. لذا موضوع ملکیت یک مسئله مهم در حیات بشری می باشد و آن از جمله ضرورت های حیاتی است، پس انسان نمی تواند احتیاجات حیاتی و یا غرائز خود را بدون وسائل اشباع کننده اشباع و مرفوع بسازد. بناءً انسان سعی می کند تا هر آن چه را که احتیاج و اشتها دارد، تهیه کند. مال چیزی است که انسان ها در نگهداری آن اشتیاق دارند؛ بلکه بخاطر بدست آوردن و در ملکیت خود شامل ساختن آن می کوشند... لذا شارع احکامی را روان نموده است تا تحصیل مال را

برای انسان تنظیم کند، مشاغل و مخالفت‌هایی را که در موقع تلاش بدست آوردن ملکیت پیش می‌شود بردارد... لذا شریعت ملکیت را نظر به ضرورت‌های فردی و جمعی انسان به سه دسته تقسیم نموده است: ملکیت فردی، ملکیت عامه و ملکیت دولت.

در این حدیث مبارک رسول کریم صلی الله علیه وسلم یک نوع از ملکیت را که ملکیت عامه می‌باشد، برای ما معرفی نموده است، و مفهوم ملکیت عامه در یک چیز آنست که تمام مردم در تصرف آن چیز مشترک باشند. بناءً هر یک از این افراد حق دارند که از آن نفع بگیرند؛ زیرا مختص به یک فرد نمی‌باشد و فرد حق ندارد دیگران را از منفعت گرفتن آن منع کند و از جمله چیزهایی که شرع آن را ملکیت عامه قرار داده است، چنان چه در حدیث فوق بیان نمود که عبارت از آب، چراگاه و آتش می‌باشد.

الله عزیز که این اشیاء را ملکیت عامه قرار داده و تصرف از جانب افراد را در آن منع کرده است، این بخاطری است که همه انسان‌ها به آن حاجت دارند؛ لذا این‌ها از آن نیازمندی‌های است که جماعت‌ها ابداً از آن بی‌نیاز بوده نمی‌توانند و آن چیزی است که هرگاه از انسان‌ها دور باشد، مردم بخاطر قحط و انعدام این آب و چراگاه، قریه‌ها و شهرهای شان را ترک می‌کنند و به خاطر این ضرورت حیاتی به شهرهای دیگری متفرق می‌شوند.

بدین اساس الله متعال از مهم‌ترین تصرفات دولت کنترل ملکیات عامه و اداره آن را دانسته است و دولت را مؤظف دانسته تا این ملکیت عامه را برای انتفاع همه مردم قرار داده و افراد را از سیطره و حاکمیت بر آن بخاطر حفظ حقوق عامه مردم و حفظ و استقرار حقوق مجتمع مسلمین و اطمینان افراد آن منع کند.

والسلام علی من تبع الهدی